



(uten bilder)

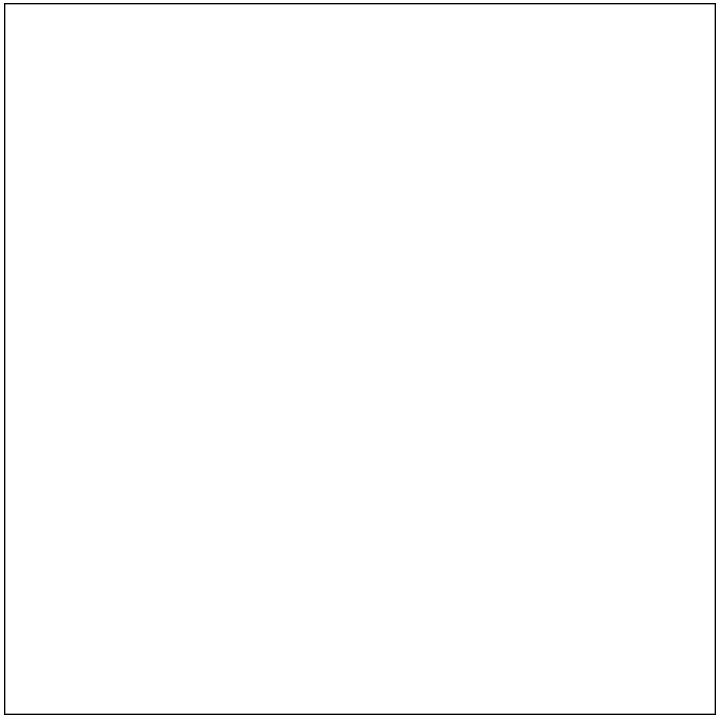
|| nivå 2

persisk

Marzieh Mohammadian Haghighi

Marleen Visser

Fabian Wakholi



بازگه، سگه و گاه

Barnebøker for Norge

barnebok.no

بازگه، سگه و گاه

Skrevet av: Fabian Wakholi

Illustrert av: Marleen Visser

Oversatt av: Marzieh Mohammadian Haghighi

Denne fortellingen kommer fra African Storybook (africanstorybook.org) og er videreformidlet av Barnebøker for Norge (barnebok.no), som tilbyr barnebøker på mange språk som snakkes i Norge.

Dette verket er lisensiert under en Creative Commons

[Navngivelse 3.0 Internasjonal Lisens.](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0/deed.no)

<https://creativecommons.org/licenses/by/3.0/deed.no>



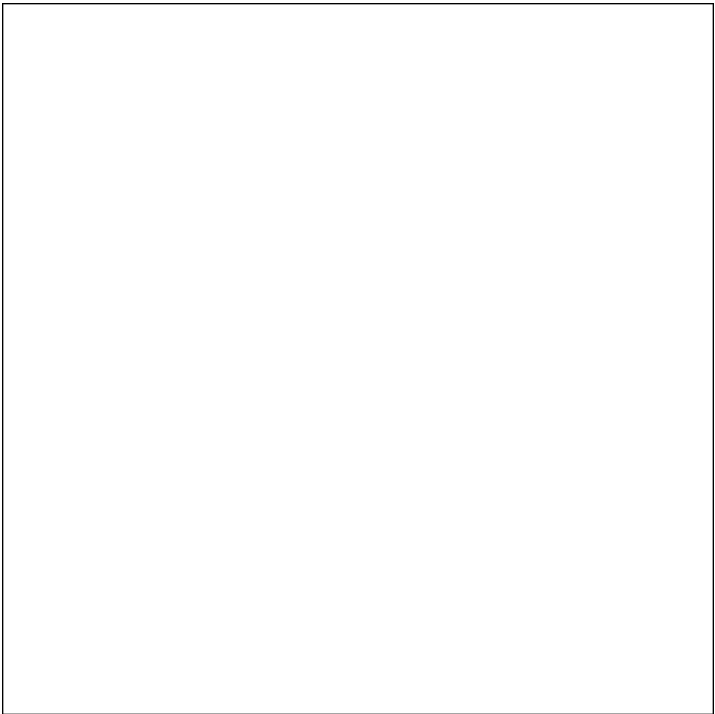


بُزْغَالِه، سَگ وَ گاو دُوسْتانِ خُوبی بُوْدَنْد. رُوزی آنْها
با تَاکسی بَه مُسافِرْت رَفْتَنْد.

جودش را پردازد کز کرد.

خواست که کزایه شای را پردازد کند. گاو کزایه

و قبی آنها نه پاتا بن سفر شای رستند، رانده از آنها



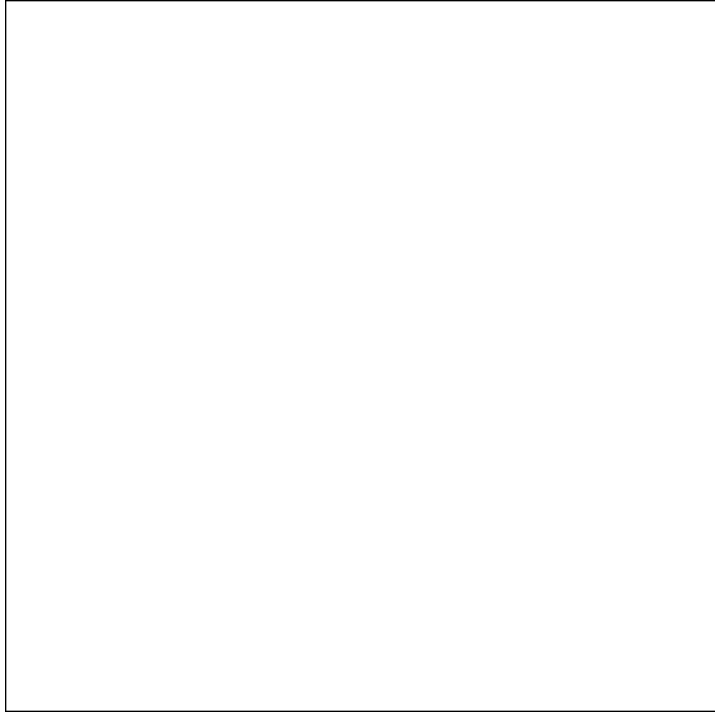


سگ گمی کرایه ی بیشتری داد، چون به همان
اندازه پول نداشت.

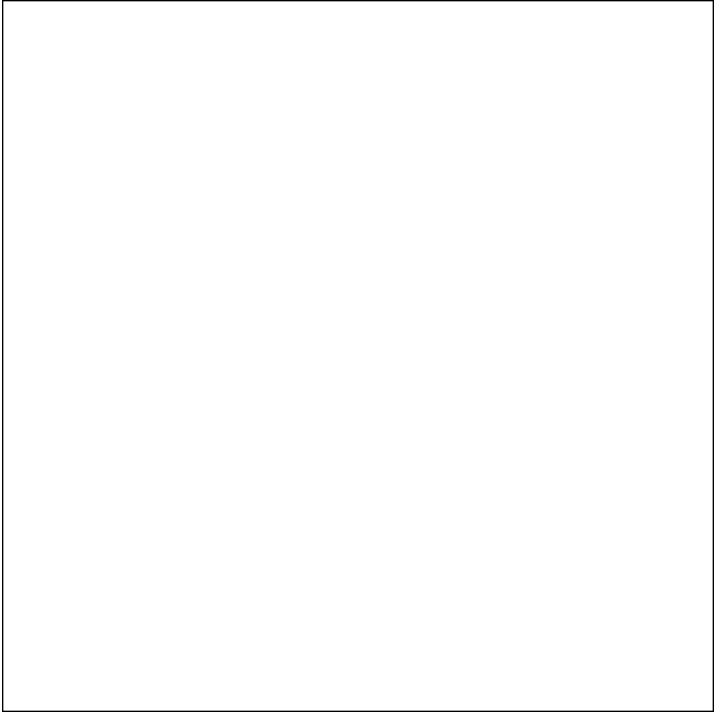


گاو وقتی ماشینی می آمد اذیت نمی شد. گاو
وقتش را صرف عبور از خیابان می کرد چون
می دانست که او کرایه اش را کامل پرداخت کرده
است.

پزغاله بده او ترستد به
ماشینی فرار کرد. او ترستد به
پزغاله از صدای ماشینی
تحقیق یکنواختی
خاطر فرار کرد



را ننده قصد داشت پول سنگ را به او بدهد که دید
پزغاله بدو نپرداختند فرار کرد.





راندۀ خیلِ دلخور شد. بدونِ اینکه بقیه ی پولِ
سگ را پس دهد رفت.



به همین دلیل، حتی امروز، سگ به سمت ماشین
دوید تا دزدکی به داخلِ ماشین نگاه کند و راندۀ
ای که به او پولِ پدِهکار بود را پیدا کند.